

فرهنگ شهرهای ایران: فرهنگ تلفیقی

سیدقاسم حسینی*

E-mail: S-hassani-m@yahoo.com

چکیده:

امروزه حرکت ایده‌ها، سرمایه، مردم و بسیاری از اجزا و عناصر اجتماعی - فرهنگی و سایر عوامل که بر رفتارهای اجتماعی و شیوه‌های زندگی و الگوهای کنش تأثیرگذار بوده‌اند؛ سریع‌تر و گسترده‌تر از هر زمان و مکان و دوره‌ای از تاریخ، بشری شده است. جهانی‌شدن؛ دنیای معاصر بشری را بیش از پیش در ارتباطات و اطلاعات متقابل قرار داده است. جریان ترافیک در این شبکه‌ی جدید نه تنها سطوح جدیدی را سرعت بخشیده؛ بلکه جهت‌های حرکت را چندگانه کرده است. پویایی‌های جورواجور و نو، کانون مدل‌ها و اشکال تعلق و الگوهای تبادل زیادی را به وجود آورده است. در دنیای معاصر، فرایند دگرگونی‌ها و اتصال فرهنگ‌ها، نوعی تبدیل‌های جدیدی را صورت داده و الگوهای جدیدی را طرح‌ریزی کرده است که نه شکل اصیل و بنیادینی از یک حوزه‌ی فرهنگی را به صورت محض می‌توان دید و نه الگویی از تأثیرپذیری‌هایی که بر یک عرصه‌ی فرهنگی تأثیرگذار بوده است قابل مشاهده است. بنابراین، تلفیقی از دو گونه‌ی خاص که به ظهور پدیده‌ی جدیدی منجر شده است؛ دیده می‌شود. شهرهای ایران کانون همین پدیده‌های دو گونه‌ی خاص هستند که به فرهنگ کریوله‌شده تبدیل شده است. در این فرهنگ کریوله‌الگوی شهری جدید و متمایز را خواهیم داشت که با نوع و ساختار سنتی خود و با نوع و ساختی که از آن متأثر بوده است؛ تفاوت دارد؛ یعنی، نه آن است و نه این؛ بلکه نوع جدیدی که از آن به نام فرهنگ کریوله شهری ایران می‌توان نام برد.

کلیدواژه: کریوله‌شدن، فرهنگ شهری، همانندسازی، سنتز

فرهنگی، شهر ایرانی

مقدمه و طرح مسأله

پدیده‌ی شهر در جامعه‌ی بشری، سنتی دیرینه دارد. گستره‌ی تاریخی آن را می‌توان به زمان شکل‌گیری تمدن و دولت نسبت داد که توسعه‌ی شهرها در برخی از جوامع ابداعی بود و در بعضی دیگر تحت تأثیر شهرهای شکل‌گرفته‌شده ظاهر شدند. از این نقطه‌نظر، می‌توان شکل‌گیری شهرها را در دو حوزه تقسیم‌بندی کرد:

۱- شهرهای اولیه

۲- شهرهای ثانویه

شهرهای اولیه: شهرهایی بودند که به‌صورت خلاقانه شکل گرفته‌اند. این‌گونه شهرها، شهرهای ابتکاری بودند که برای نخستین بار ایجاد شدند (مثلاً شهرهای بین‌النهرین و امریکای مرکزی).

شهرهای ثانویه: به شهرهایی می‌گوییم که شکل‌گیری آن‌ها تابعی از شهرهای اولیه بوده است (مثلاً شهرهای ایرانی، مصری، یونانی و غیره) (باشام، ۱۹۸۰: ۳۸). به‌هرحال این‌گونه شهرها تا انقلاب شهری به حیات خود ادامه دادند و تحت تأثیر ویژگی‌های منطقه‌ای دارای عناصر فرهنگی و معانی ویژه‌ی خود بودند. میزان شهرنشینی در این نوع شهرها رواج چندانی نداشت و زندگی انسان به‌طور جدی تحت تأثیر شهرها نبود. عرصه‌های تحول فرهنگی که در زندگی انسان امروزی گسترش یافته است، از شهرها رقم نمی‌خورد و به نوبه‌ی خود شهرها دارای پراکندگی متنوعی بودند که کم‌تر همانند شهرهای جدید تحت تأثیر یکدیگر قرار داشتند (ممتاز، ۱۳۸۰: ۲۸). از نظر فرهنگی، شهرها فاقد پیچیدگی بودند و تلفیق‌های فرهنگی اندک بود. توسعه‌ی فرهنگ شهری را باید پدیده‌ی عمده‌ی دوران معاصر دانست؛ به‌طوری‌که قرن بیستم را انقلاب شهری می‌نامند. میزان شهرنشینی چندان گسترش یافته که به‌طور روزافزونی به‌صورت محل کار و سکونت انسان امروزی در آمده است. از طرفی، شهرها بیش از پیش توانسته‌اند مراکز کنترل و ابتکار حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی درآیند و به‌تدریج، مناطق، افراد و فعالیت‌های متنوع‌تری را در حوزه‌ی خود قرار دهند (ویرث، ۱۳: ۳۹).

رشد شهرنشینی و شهرهای بزرگ، مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین پدیده‌ی دوران معاصر است و پیچیدگی فرهنگی بارزترین مشخصه‌ی شهرهای کنونی است. در گذشته، شهرها پراکندگی مکانی داشتند و از پیچیدگی امروز برخوردار نبودند؛ زیرا تأثیرپذیری شهرها در فرایند انقلاب شهری جدید قرار نمی‌گرفت. در یک فرایند زمانی، این پیچیدگی رقم خورد و شهر را مرکز مناسبات زندگی اجتماعی - فرهنگی -

سیاسی - تکنولوژیک و اقتصادی بشر قرار داد. این پیچیدگی که با انقلاب صنعتی در غرب آغاز شد و در قرن بیستم به انقلاب شهری، (باتیه، ۱۳۷۷: ۷) منجر گردید موجب تحولات عظیمی شد. با این تحول، دگرگونی‌های گسترده‌ای در مفهوم و زندگی شهری رخ داد؛ که هر چند برای غرب الگوی تدریجی و پویا درونی بود؛ اما شهر معاصر را در خود محصور نکرد. از جنگ جهانی دوم به بعد، شهر با همه ویژگی‌های خود به نقاط پیرامون اشاعه پیدا کرد. این اشاعه به گونه‌ای بود که ساختارهای شهری کهن، مکان‌های مختلف جوامع شهری را دچار تغییر کرد. این تغییر در مکان‌های شهری به صورت‌ها و گونه‌های مختلف بروز کرد. اغلب شهرهای غیر غربی از ساختارهای بنیادین و سنتی خود دور شدند. این دور شدن به معنی انتقال شهر به شهر غربی نبود؛ بلکه فرایندی را شکل داد که تلفیقی از گونه‌ی شهری مکانی خود و گونه‌ی شهری وارد شده بود. در این تلفیق با نوع جدید و ترکیب متفاوتی از شهر روبه‌رو هستیم که با شهر سنتی و مدرن متفاوت است. اگرچه شهرهای جدید تلفیقی از آن دو را در صفات خود دارند؛ ولی فرهنگ شهری متفاوتی را به وجود آوردند. از آنجاکه شهرهای مناطق مختلف دنیا ویژگی‌های خاص فرهنگی - اجتماعی معین خود را دارا بودند با این ترکیب و تلفیق با شهر مدرن (با الگوی غربی) ترکیبات متفاوتی را ایجاد کردند به گونه‌ای که می‌توان بازتولیدهای متعدد شهری گوناگونی را در کشورهای مختلف دنیا و حتی در یک کشور مشاهده کرد. فرایندی که در آن شهرهای سنتی با ساختار ویژه خود با شهر مدرن تلفیق می‌شود و ترکیب جدیدی را ایجاد می‌کند به آن کریوله‌شدن فرهنگ شهری می‌گویند. مقاله‌ی حاضر با رویکرد انسان‌شناسی در نظر دارد این فرایند را با توجه به تئوری کریوله‌شدن و فرهنگ کریوله در ارتباط با شهرهای ایران مورد بررسی قرار دهد.

اهداف

با توجه به نگاه انسان‌شناسانه، هدف مقاله را می‌توان چنین بیان کرد:

۱- شناخت فرهنگ‌های کریوله‌شده - که تئوری جدیدی است - از زبان‌شناسی گرفته شده و به حوزه‌های فرهنگ و فرهنگ شهری نیز وارد شده است و با نگاه انسان‌شناختی به آن پرداخته می‌شود.

- ۲- انطباق تئوری کریوله شدن (یا سنتز فرهنگی) با حوزه‌ی فرهنگ که در این جا با فرهنگ شهری منطبق است.
- ۳- شناخت بهتر فرهنگ شهری ایران با توجه به مفهوم کریوله (یا سنتز فرهنگی).
- ۴- هدف اصلی مقاله، نگاه جدیدی به مقوله‌ی فرهنگ شهری ایران است که تلفیق‌های متعددی در حوزه‌ی زیست اجتماعی صورت گرفته و در مجموع چیزی با عنوان سنتز فرهنگی یا فرهنگ کریوله شده را شاهدیم.

سوالات

- ۱- آیا شهرهای ایران به فرهنگ کریوله شده تبدیل شده‌اند؟
- ۲- چه شواهدی برای این نوع فرهنگ می‌توان شناسایی کرد؟
- ۳- از چه زمانی شهرهای ایران به فرهنگ کریوله شده منتقل شده‌اند؟
- ۴- چه عواملی در تبدیل شهرهای ایران به فرهنگ کریوله شده نقش داشتند؟
- ۵- آیا فرهنگ کریوله شده می‌تواند منشأ خشونت باشد، یا آثار مثبتی به همراه دارد؟

تعریف مفاهیم

۱- کریوله

اصل این کلمه از زبان‌شناسی گرفته شده است. کریوله زبانی از یک پی‌جین است که زبان بومی گروهی از مردم شده است (بیتس، ۱۳۷۵: ۳۷۵). معمولاً اکثریت زبان کریوله مبتنی بر انگلیسی؛ پرتغالی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی به‌عنوان زبان معیار و زبان ملی از یک طرف و زبان محلی یا مهاجر به‌عنوان زبان‌های قومی یا خرده‌فرهنگی است (<http://en.wikipedia.org/wiki>). در واقع کریوله: نوع جدیدی از ترکیب و تلفیق دو چیز است. در زبان‌شناسی به گروه‌هایی از مردم که با نوع جدیدی از تلفیق دو زبان با هم صحبت می‌کنند کریوله‌ها می‌گویند. شاید معادل دیگر آن به سنتز نزدیک‌تر باشد.

۲- مفهوم کریوله شدن

این مفهوم را انسان‌شناسان برای توضیح شکل‌گیری تولیدات جدید کنش متقابل چند فرهنگ به کار می‌برند (<http://www.upess.state.ms.us>). کریوله شدن فرایند جهان جدید است. زمانی که در عرصه‌ی زندگی اجتماعی بشر، مقوله‌ای از یک منطقه^۱ با

1- Region

مقوله‌ی بیرونی تلفیق شود و نوع جدیدی را تولید کند، این بازتولید جدید، ترکیب دو عنصر یا دو مقوله را که به مقوله‌ی سوم می‌انجامد؛ فرایند کریوله‌شدن می‌نامند. واژگان مترادف کریوله‌شدن: دورگه^۱ در مطالعات فرهنگی و تلفیق‌گرایی^۲ در انسان‌شناسی است (جان‌نیدر، ۲۰۰۱: ۲۱۹).

۳- کریوله‌شدن فرهنگی (سنتز فرهنگی)

این مفهوم به تلفیق و ترکیب دو یا چندین سنت یا فرهنگ مجزا اطلاق می‌شود که نتیجه‌ی حرکت، مهاجرت و چند فرهنگ‌گرایی و تماس‌ها و در هم‌آمیختگی فرهنگ‌ها است که محصول آن اشکال فرهنگی جدید است. بنابراین، پایه‌های اساسی فرایند کریوله‌شدن فرهنگی برخورد دو یا چند فرهنگ متفاوت است. در این برخورد، عناصری از فرهنگ‌های متفاوت، به‌خاطر این‌که معنا و کاربرد کارکردی برای یک شخص خاص یا گروه فرهنگی دارند، ترکیب می‌شوند. انتهای این نتیجه، خلق یک سنت جدید متمایز از آن دیگری است؛ اما با این وجود، عناصری از هر دو را با هم دیگر دارد. با توجه به این مقوله، باید گفت که فرهنگ به‌خصوص در دنیای معاصر، صرفاً به‌شیوه‌ی تک‌خطی منتقل نمی‌شود. حرکت بین مناطق فرهنگی / جغرافیایی همیشه مستلزم تفسیر، جهش، ترجمه، انطباق و بومی‌شدن فرهنگ است؛ زیرا گیرنده، تمام منابع خود را به‌کار می‌گیرد و به‌شیوه‌ای دیالکتیکی بر واردات فرهنگی تأثیر می‌گذارد و یک سنتز فرهنگی خلق می‌کند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

۴- کریوله‌شدن فرهنگ شهری

اکثریت شهرها امروزه آمیزه‌ای از نفوذ فرهنگ بیرون و سنت‌های محلی به‌عبارت دیگر همان فرهنگ کریوله‌شده هستند. فرهنگ کریوله‌شده‌ی شهری؛ فرهنگی است که می‌توان پیوستار و طیف فرهنگی‌ای را دید که یک‌سوی آن مربوط به عناصر مدرنیته‌ی شهری اروپایی و ازسوی دیگر فرهنگی ملی و سنت محلی است که فرهنگ شهری متفاوتی را از سنت شهری قبلی و فرهنگ شهری ایجاد کرده است (حسنی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

روی‌کرد تئوریک به کریوله‌شدن

بحث‌های نظری زیادی در ارتباط با این مفهوم ارائه شده است. برخی از محققین،

1- Hybridity

2- Syncretism

کریوله شدن را به عنوان یک اصطلاح زبان‌شناختی درک می‌کنند. عده‌ای آن را در معنای دوره استعماری^۱ اسپانیایی‌ها تعریف می‌کنند و برخی آن را مترادف ترکیب^۲ و دورگه^۳ می‌بینند. جان برنابل^۴ فرایند کریوله شدن را تجربه‌ی اساسی جهان جدید می‌داند که گاه مثبت و گاه منشأ خشونت است. هانزر کریوله شدن را فرایندی جهانی تلقی می‌کند. او معتقد است که فرهنگ‌های کریوله شده همانند زبان‌های کریوله شده، ذاتاً منشأ ترکیب شده‌ای دارند. تلفیقی از دو یا چند جریان تاریخی نسبتاً جداگانه‌ای هستند که در قالب کنش متقابل با یکدیگر تحت تأثیر عوامل دنیای جدید قرار می‌گیرند. فرهنگ‌های کریوله شده، از نظر هانزر در طول یک فرایند زمانی طولانی رشد می‌یابند که درجه‌های متفاوتی از انسجام و پیوستگی و تلفیق نهایی را رقم می‌زند. هانزر می‌گوید: فرهنگ‌های کریوله، طیف پیوسته‌ای از اشکال کنش متقابل است که در سر یک طیف فرهنگی با موقعیت بالا (یعنی فرهنگ مرکز) و سر پیوستار دیگر اشکال گوناگونی از فرهنگ‌های پیرامون روبه‌رو می‌شود. از نظر هانزر این‌که بگوییم کریوله شدن تنها از فشار دایمی مرکز به پیرامون به وجود می‌آید، اشتباه است. کریوله شدن نوعی تلفیق است که در این تلفیق شکل جدید فرهنگی نمودار می‌شود، نه غلبه (اولف هانزر، ۱۹۸۰: ۸۹).

از نظر هانزر: همان‌گونه که زبان ابعاد مختلفی هم‌چون گرامر، فونولوژی و واژگان دارد و همان‌طور که زبان کریوله ترکیبات منحصربه‌فردی را شکل می‌دهد و از کنش متقابل میان زبان‌ها، بعد زبانی خاص را خلق می‌کند، فرهنگ‌های کریوله از برخوردها و تماس‌های فرهنگی چندبعدی به وجود آمده است و می‌تواند چیزهایی در شیوه‌های نو خلق کند (اولف هانزر، ۱۹۹۶: ۱۰۷). به هر حال کریوله شدن در عصر ارتباطات، رسانه‌های جهانی و سرمایه‌داری و به‌طور کلی در عصر جدید ظهور پیدا کرده و تقریباً در هر کجا در جهان قابل شناسایی است؛ اما تفاوت‌های عمده‌ای در درجات تلفیق وجود دارد. تئوری کریوله شدن، موارد زیادی از فرایندهای فرهنگی را که تحت تأثیر حرکت، تغییر، مرزهای باز و تماس‌های بین فرهنگی قرار می‌گیرد در خود ظاهر می‌کند. بنابراین، ماهیت کریوله شدن، انعطاف‌پذیری و نامحدود بودن آن است. در گفتمان کریوله شدن، مفهوم تغییر، بی‌ثباتی، دورگه‌ای معمولاً مغایر با سنت، ثبات و تعهد به ارزش‌های ثابت و یک‌دستی بدون تغییر است. بیش‌تر محققان معتقدند

1- Coloni
2- Mixture

3- Hibrid
4- J. Bernabel

کریوله شدن یک فرایند است؛ به همین جهت می تواند به خلق ترکیبات جدید منجر گردد. به طور کلی، استفاده از کریوله شدن به عنوان تئوری راهنما می تواند نقش عمده ای در تحلیل بسیاری از مناسبات فرهنگی - اجتماعی در فرهنگ های مختلف ایفا کند. هم چنین این تئوری به ما اجازه می دهد که تحلیل دامنه دارتری از کنش متقابل اجتماعی و سیاسی و حتی شهری ارایه دهیم.

گستره ی تاریخی کریوله شدن و اهمیت تحلیلی آن

همان گونه که گفتیم، کریوله شدن فرایندی است که از طریق آن، فرهنگ های متفاوت در تماس با یکدیگر اشکال فرهنگی جدیدی را به وجود می آورند. کریوله شدن محصول جهان معاصر^۱ است که ابتدا در زبان شناسی شکل گرفت و بعد در مطالعات برده داری^۲ دیده شد که به تحلیل امریکاییان سیاه پوست منجر شد. مطالعات کریوله شدن در حوزه ی مهاجران در امریکا نیز رواج پیدا کرد و عناصری چون ادیان و هویت در امریکا را در بر گرفت. قبل از کریوله شدن، بیش تر تحلیل ها در قالب دو مفهوم همانندسازی^۳ و فرهنگ آموزی مطرح بود. در بیش تر تحقیقات، به فرایند سازگاری یک فرهنگ (در این جا مهاجران) با یک فرهنگ برتر توجه می شد، در این سازگاری به این اصل پرداخته می شد که چه گونه افراد در این سازگاری، فرهنگ آموزی را کسب می کنند و همانند می شوند؛ اما بعدها به خصوص از دهه های ۱۹۸۰ مفهوم کریوله شدن جایگزین مناسبی برای تحلیل فرهنگی شد. این کلمه دیگر به سازگاری و فرهنگ آموزی توجه ندارد؛ آن چه در این مفهوم اهمیت دارد؛ بیان هم زمانی است که در آن اشکال فرهنگی جدید در زندگی جهان نمودار گردید.

کریوله شدن، به عنوان ابزاری برای تحلیل پدیده های پیچیده ی فرهنگی - اجتماعی معاصر اهمیت زیادی دارد. در واقع برای شناخت واقعی دیدگاه های تاریخی جدید و اشکال فرهنگی معاصر فرایند کریوله شدن تحلیل مناسب و با اهمیتی را در اختیار می گذارد. تئوری کریوله شدن به ما فهم بهتری از جایگاه فرهنگ، اجزا و حوادث و عناصری که در جامعه ی کنونی می گذرد به دست می دهد. امروزه اغلب جوامع با واقعیت کریوله شدن فرهنگی روبه رو شده است، عناصر و مقوله هایی چون فرهنگ، هویت، زبان، موسیقی، رقص، دین، معماری، نهادها و سازمان ها، شهر و فرهنگ شهری

1- New World
2- Slavery

3- Assimilation

تحت تأثیر کریوله‌شدن قرار دارند. این فرایند امروزه یک حقیقت تاریخی است، که در دوران معاصر جا باز کرده است.

مرجع‌های تحلیل کریوله‌شدن

از نظر مکانی مرجع‌های کریوله‌شدن در دو فضای عمده دیده می‌شود؛ یکی از فضاهای مکان مربوط به جوامع در حال توسعه و جهان سوم است. در این مرجع دو طیف و پیوستار سنت محلی (پیرامون) و سنت غربی - مدرنیته (مرکز) وجود دارد که تلفیق شده است. این تلفیق به معنی ترکیب پیوندی یا التقاطی شدن فرهنگ‌ها نیست؛ بلکه دقیقاً به این معنا است که از ترکیب و تلفیق دو طیف و پیوستار، فرهنگ یا الگوی فرهنگی جدیدی ظهور پیدا می‌کند (خسروی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). البته درجات تلفیق با الگوهای فرهنگی جدید متفاوت است؛ زیرا سنت‌های محلی - فرهنگی یا پیرامون‌های متنوعی نسبت به مرکز (مدرنیته) وجود دارد؛ به همین دلیل کریوله‌ها نیز تنوع می‌یابند و متأثر می‌شوند (مثلاً در امریکای لاتین، در آفریقا، در آسیا و غیره) (ریتا، ۲۰۰۵).

مرجع دوم مربوط به شهرهای امریکا و کشورهای پیشرفته می‌شود. این شهرها کانون مهاجرت‌های فرهنگی و چند فرهنگی است. بنابراین، مرجع کریوله‌شدن را باید در مهاجرت جست. کریوله‌شدن در این مرجع بعد از حرکات مهاجرت از یک محیط به محیطی دیگر رخ می‌دهد. این بار پیرامون‌ها در مرکز قرار گرفته‌اند. در این مرجع، نمونه‌هایی از تماس و برخورد و درهم آمیختگی پیرامون‌ها با مرکز مشاهده می‌شود که به تلفیق و ترکیب منجر می‌شود. این تلفیق به معنی همانندسازی یا فرهنگ‌آموزی محض پیرامون‌ها نسبت به مرکز نیست؛ بلکه به معنی ترکیب جدیدی است که از تماس متقابل پیرامون‌ها با مرکز به وجود آمده است. (<http://www.completetranslation.com>)
نمونه‌های زیر شواهد کریوله‌شدن در مرجع دومی را نشان می‌دهد.

کریوله‌های جهان جدید در مرجع دوم (شواهد کریوله‌ها)

یکی از نمونه‌های کریوله‌شدن را می‌توان در مهاجران هائیتی تبارهای شهر نیویورک دید. نسل‌های اول و دوم و سوم در شهر نیویورک، دین "ودو"^۱ دارند. اغلب‌شان به گونه‌ای رازگونه از این دین پیروی می‌کنند. دلیل این امر، به پایگاه قانونی‌شان

1- Vodou

برمی‌گردد که یک تصور منفی‌ای هم وجود دارد. با وجود این، بسیاری از اجتماعات مذهبی با تعداد زیادی پرستشگاه در نیویورک وجود دارند که ناشناخته‌اند. این پرستشگاه‌ها به‌عنوان کلیساها ثبت نشده‌اند؛ بلکه به‌صورت زیرزمینی توسط کشیش‌های "ودو" مناسک‌شان انجام می‌گیرد. به‌هرحال دین ودو در این شهر توسط هائیتی‌های مهاجر تلفیقی از کاتولیک به اعمال مذهبی می‌پردازند. ترکیب کاتولیک و ودو به‌زمان برده‌داری در امریکا برمی‌گردد. "ودو" مبتنی بر مذاهب آفریقایی است به‌خصوص مذاهب آفریقایی غربی اما با عناصری از کاتولیک هم‌چون نمازهای خاص و شمایل‌نگاری^۱ و عناصر دیگر کاتولیک تلفیق شده است (درن، ۲۰۰۵: ۵۹).

فرایند تلفیق فرهنگی را می‌توان در حوزه‌های دیگر هم گسترش داد. برخی معتقدند فرایند کریوله در دین و زبان و قومیت بیش‌تر دیده می‌شود. هم‌چنین این فرایند را می‌توان در غذا، لباس، رقص، موسیقی و شعیار و آموزش و پرورش هم مشاهده کرد. فرهنگ کاجون^۲ شاهد مناسبی از فرایند کریوله است. در این فرهنگ، موسیقی به‌خاطر تلفیق آن با ترکیبات موسیقی سیاه‌پوستان و سفیدپوستان شکل گرفته است یا در سخن و مقوله‌ی زبانی فرهنگ کاجون تلفیقی از کلمات فرانسوی و انگلیسی متأثر است. غذای کاجون مثال دیگری از کریوله‌شدن است. غذایی به‌نام سگامبو^۳ کلمه‌ای با منشأ آفریقایی است که در واقع محصول تلفیقی و ترکیبی از منشأ غذاهای فرانسه و آفریقا و سرخ‌پوستان، امریکایی است (<http://www.cajunculture.com>).

هنر ایرزول^۴ نیز از فرایندهای کریوله‌شدن مشابه به‌وجود آمده است. این هنر، همانند دین ودو هائیتی‌ها یا سنتریا^۵ کوبا، کاندم‌بل^۶ برزیلیایی‌ها آشپزی و غذای کاجون‌ها و اشکال موسیقی شهری هم‌چون سالسا^۷، جاز لاتین، بی‌بوپ^۸ و موسیقی هیپ‌هوپ^۹، از تلفیق هنر دینی کاتولیک - آفریقایی است. برخلاف استراتژی‌های پست‌مدرنیستی که بر شکنندگی و جمع‌شدن سنت‌ها تأکید دارند؛ اما کریوله‌شدن به این گرایش دارد تا سنتی از اجزای موجود را در یک قالب خاص نو قرار دهد.

1- Iconography
2- Cajun
3- Sgumbo
4- Aerosol
5- Santeria

6- Condomble
7- Salsa
8- Be-Bop
9- Hip-Hop

جیلی رول مک‌لن^۱ و سیدنی بیچت^۲ دو تن از مخترعان اولیه‌ی موسیقی جاز^۳ هستند که جاز را محصول تلفیق کنش متقابل چند فرهنگ معرفی می‌کنند. بنابراین، کریوله‌شدن نیاز به تولیداتی فرهنگی دارد که به‌طور خودانگیخته با ایده‌های جدید ترکیب شوند. برخی از اشکال کریوله‌ها به صورتی ابتکاری از سوی مردم به‌وجود می‌آید. با توجه به محدودیت منابع، کریوله‌شدن، مردم را به خلق و ایجاد غذاهای جدید، زبان و سبک‌های نوین زندگی وارد می‌دارد و از این طریق خواسته‌های آن‌ها را برآورده می‌کند. به‌عنوان مثال خلق کریوله‌ها را می‌توان حتی در کالاهای مشاهده کرد. هاوز در مورد کوکاکولا و کالاهای دیگری می‌گوید:

«هیچ چیز وارداتی از کریوله‌شدن کاملاً مصون نیست. در واقع می‌بینیم که در فرهنگ‌های مختلف اغلب معانی و کاربردهایی را به کالاهای [نسبت] می‌دهند - مثلاً به کوکاکولا - که با معانی و کاربردهای مورد نظر تولیدکننده آن متفاوت است. از جمله این‌که کوکاکولا چین و چروک صورت را صاف می‌کند. (روسیه)، سلامت انسان را به او بازمی‌گرداند (هائیتی)، و مس را به نقره تبدیل می‌کند (باربادوس)... هم‌چنین با مخلوط کردن کوکاکولا با نوشیدنی‌های دیگر، چون رام در منطقه کارائیب برای ساختن *librecuba* یا *aguadiente* در بولیوی برای تولید *ponchenegro* آن‌را بومی می‌کنند. سرانجام این‌که به‌نظر می‌رسد در بسیاری از جاها کوکاکولا را یک محصول بومی می‌دانند یعنی شما اغلب به کسانی برمی‌خورید که معتقدند خاستگاه این نوشابه کشور آن‌هاست نه ایالات متحده» (هاوز، ۱۹۹۶: ۶).

فرایند تلفیق فرهنگی در فضای شهری ایران

شهر، مکانی است که پیچیدگی فرهنگ در آن نمایان می‌شود. شهر، ظرف یا مخزن یا امکان به‌خصوصی است که پیام‌ها را دریافت و ذخیره و منتقل می‌کند (مفورد، ۱۳۸۱: ۱۵۵). امروزه شهرهای جهان و ایران اغلب ملقمه‌ای است از نفوذ و ذخیره‌ی فرهنگی و تأثیر فرهنگ بیرونی و سنت‌های محلی خودشان. به‌همین دلیل اغلب شهرها، دامنه‌ی زندگی مردم‌شان فراتر از حدود و حصار شهری است. شهرهای امروزی ایران به فرایند جهان جدید تعلق دارند. آن‌ها تولیدات برخی از اشکال ترکیب‌شده‌ای هستند که با سنت قدیمی، و ریشه‌دارشان مغایرت دارند؛

1- Jelly Roll moclan
2- Sidney Bechet

3- Jazz

به گونه‌ای که در سنت ناب شهرهای کهن ایران کم‌تر به چشم می‌خورد، البته این انتخاب، اتفاقی بود که برای شهرهای ایران رخ داده است که زمان آن به تأثیر و نفوذ جهان سرمایه‌داری و عنصر مدرنیته و فرایند مدرنیزاسیون در ایران برمی‌گردد.

در شهرهای ایران مانند بسیاری از شهرهای جهان پیوستاری فرهنگی وجود دارد که یک سر طیف آن به شهرهای مدرن می‌رسد و سر دیگر آن به فرهنگ ایران - که در تاریخ ایران جایگاه خاص خود را دارد. به‌همین دلیل دیگر نمی‌توان از فرهنگ شهری خاصی صحبت کرد که بتوان در محدوده‌ی جغرافیایی شهری ایران تعریفش کرد. این‌جا پدیده‌ای ظهور کرده است که نمی‌توان از گسست رابطه‌ی میان فرهنگ شهری ناب ایران با سرزمین تاریخی‌اش سخن گفت.

زمانی مرزهای فرهنگ شهری ایران با مرزهای جغرافیایی یکی بود؛ شهرهای اصفهان، کاشان، تبریز و شیراز، از یک‌طرف شهر ایرانی بود و از طرفی مرز جغرافیایی ایران که فرهنگ شهری ایران را طرح و بافت می‌داد؛ اما تلفیقی که تحت تأثیر طیف مدرنیته و جریان سرمایه‌داری با دگرگونی‌هایی که ایجاد کرد؛ گسست مرز فرهنگ شهری با مرز جغرافیایی را به‌وجود آورد. البته این به‌معنی حذف و نامرئی شدن اجزا و عناصر فرهنگ شهری ایران و پذیرش محض شهر مدرن و جریان سرمایه‌داری نیست؛ بلکه تلفیقی از دو جریان شهر بومی و عناصر شهر مدرن است که حاصل آن نوع و ترکیب معینی است که اشکال بافتی و کالبدی، مناسبات اجتماعی، رفتاری، هویتی و در کل فرهنگی - اجتماعی و عناصر دیگری را به‌وجود آورده که می‌توان با عنوان کریوله‌شدن فرهنگ شهری ایران یا سنتز فرهنگی سخن گفت.

با این روی‌کرد، دامنه‌ی زندگی مردم اکثر شهرهای ایران از حدود و حصار خود شهرها و ایران فراتر رفته است. در اکثر شهرها می‌توان به پیوستارهایی فرهنگی برخورد کرد که یک‌سوی آن مربوط به کلان‌شهرهای اروپایی و امریکایی (عناصر مدرنیته) و سوی دیگر آن به فرهنگ ملی و سنت محلی مربوط می‌شود. در اکثر شهرهای ایران دیگر فرهنگ ناب شهری مفهومی نیست که بتوان آن‌را در محدوده‌ی همان شهرها مشاهده کرد. اغلب شهرها ماهیت جدیدی پیدا کرده‌اند. نوع معماری، ریخت‌شناسی^۱ شهری، سازمان‌ها و نهادهای شهری، باورها و ارزش‌های اجتماعی، نوع مناسبات و کنش‌های اجتماعی، اقتصاد شهری، برنامه‌ریزی‌های شهری، حاشیه‌نشینی، موسیقی، مد و پوشش، همه، عناصری از کریوله‌ها هستند که فرهنگ شهری ایران را شکل می‌دهند.

1- Morphology

این کریوله‌های فرهنگ شهر، نه استمرار محض سنت‌های شهری گذشته را در خود دارند و نه از اجزای ناب پذیرفته‌شده‌ی فرهنگ شهری وارداتی هستند. در واقع در فرهنگ شهری ایران، فرهنگ جدیدی را مشاهده می‌کنیم که مانند زبان کریوله جای خود را پیدا کرده و عمق تاریخی یافته است.

برخی در تحلیل کریوله‌شدن فرهنگ، آن را تجربه‌ی اساسی جهان جدیدی می‌دانند و این فرایند را گاه مثبت و گاه منشأ خشونت می‌دانند. در بسیاری از شهرهایی که فرایند کریوله‌شدن در آن ظهور پیدا کرده، تلفیق صورت گرفته، منشأ خشونت‌های شهری نیز بوده است. تجربه‌ی کریوله‌شدن فرهنگ شهری ایران از این امر مستثنی نبوده است و مصداق‌های عمده‌ی آن را می‌توان در معماری و فرهنگ سازمان‌ها و نهادهای اداری و حاشیه‌نشینی مشاهده کرد.

پراکنده‌گزینی در کریوله‌شدن فرهنگ شهری ایران

بیشتر محققان تئوری کریوله‌شدن، معتقدند که نمودهای کریوله‌شدن فرهنگ در همه جا به یک گونه نبوده است. دلیل عمده‌ی آن به نوع ورود تلفیق دو عنصر (یا دو فرهنگ) برمی‌گردد؛ همان‌گونه که در کریوله‌های زبانی شاهد گونه‌های متفاوتی از کریوله‌شدن هستیم. مثل: کریوله‌های امریکای لاتین (کریوله‌ی اسپانیایی، کریوله‌ی پرتغالی) یا کریوله‌های زبان فیلیپینی، کریوله‌ی آلاسکا، کریوله‌ی مالایی (ترکیبی از پرتقال- مالایی)، کریوله‌های سری‌لانکا، پرتگس بورگیل^۱ (<http://en.wikipedia.org/wiki>). بنابراین، کریوله‌های فرهنگ شهری نیز دارای تنوع است. سنت‌های شهری به صورت‌های مختلف وجود دارد. هریک از این سنت‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارند. به‌دلیل وجود این سنت‌های خاص شهری در هر مکان و ورود سنت‌های مدرن و ترکیب آن با سنت‌های بومی - محلی در هر مکان و با توجه به نوع تجربه و ترکیب و تلفیق، محصولات متفاوتی ظاهر می‌شوند. به‌همین جهت می‌توان از کریوله‌شدن فرهنگ شهری گوناگون سخن گفت.

کریوله‌شدن فرهنگ شهرهای ایران در همه جا و همه زمان یکسان نیست. در ایران به دلیل پراکندگی شهرها و زمینه‌های فرهنگی - قومی و گونه‌شناسی‌های متنوع با ناهم‌گونی فرهنگی شهرها روبه‌رو بوده‌ایم به طوری که هر منطقه کریوله‌شدن فرهنگی

1- Portuguese Burgler

منحصربه‌فرد خود را به‌وجود آورده است. مطالعات تجربی این تنوعات در کریوله‌شدهای فرهنگ شهرهای ایران می‌تواند نمونه‌های آن را نمایان سازد. کریوله‌هایی که در شهر تهران شکل گرفته، با شهرهای جنوب کشور یا جنوب شرق و مکان‌های دیگر متفاوت است و درجات این کریوله‌ها نیز به‌گونه‌های متنوع قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال: در شهر تهران با گونه‌های زیادی از کریوله‌های فرهنگ شهری هم‌چون معماری، برنامه‌ریزی شهری، حاشیه‌نشینی، نهادها و سازمان‌ها، موسیقی، الگوهای مصرف و غذا، مد و پوشش و الگوهای رفتاری روبه‌رو هستیم که این حجم از کریوله‌ها را در شهرهای دیگر ایران کم‌تر مشاهده می‌کنیم.

شواهد کریوله‌شدن در شهرهای ایران

بیش‌تر شواهد را در تئوری کریوله‌شدن فرهنگی به عناصر فرهنگی هم‌چون دین، زبان، قومیت و موسیقی و غذا نسبت می‌دهند. اما آنچه که علاوه بر موارد ذکر شده نیاز به تحلیل عمیق دارد، کریوله‌شدن الگوهای رفتارهای اجتماعی - فرهنگی است. در اغلب شهرهای ایران، این الگوهای رفتاری به‌گونه‌ای مناسب یا نامناسب به‌شیوه‌ای است که نه مرتبط با الگوهای سنتی رفتار اجتماعی فرهنگی است و نه آن الگوهای است که با ورود شهر مدرن و اجزای آن در شهرهای ایران به‌صورت ناب عمل می‌شود. برخی رفتارهای اجتماعی مانند شیوه‌های استفاده از اموال عمومی شهر، رفتار ترافیک شهری، آپارتمان‌نشینی، الگوهای رفتار سازمانی و نهادی و حتی برنامه‌ریزی، می‌تواند مثال‌هایی در این زمینه باشد که به‌قول برنابل لایه‌هایی از خشونت یا حتی نابسامانی‌های اجتماعی را در خود دارد. علاوه بر این شواهد - که نیاز به تحلیل بیش‌تر دارد - می‌توان شواهد کریوله‌شدن فرهنگی را در شهر ایرانی که نمودار شده‌ی آن در سبک تهران (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۷۲) به‌وضوح دیده می‌شود و از چند دهه‌ی اخیر رواج یافته، می‌توان مثال زد. البته تحلیل هر یک از شواهد زیر نیاز به بحث و بررسی جداگانه دارد.

الف) معماری

یکی از حوزه‌هایی که در آن تأثیر کریوله‌شدن را می‌توان در شهر ایرانی دید؛ معماری است. بسیاری از ویژگی‌های معماری را می‌توان در شهرهای ایرانی مثال زد که گاه تلفیق نابه‌جایی را شکل داده است. شهرهای ایرانی از این جهت با معماری مبهمی روبه‌رو شده‌اند که نه نماینده‌ی معماری سنتی ایرانی هستند و نه نمایانگر معماری

مدرن شهری. همان‌طور که برخی معتقدند: یکی از نتایج کریوله‌شدن ابهام و نامعلومی یک پدیده است. معماری شهری در ایران این ابهام را دارد. مثال معماری را می‌توان در آپارتمان نشینی عنوان کرد که در کنار معماری سنتی تلفیق شده و در رفتارها و شیوه‌های زندگی مردم اثر گذاشته است؛ به‌طوری‌که الگوهای رفتاری و زندگی اجتماعی‌شان متأثر از همین تلفیق نامناسب است. کریوله در این‌جا بیش‌تر به الگوهای رفتار اجتماعی منتقل شده است.

ب) زبان

زبان، یکی از شواهد دیگر دیالکتیک کریوله است؛ البته زبان شهری در ایران به آن مفهومی که ما از زبان کریوله تصور داریم، کریوله نشده است. هنوز زبان ایرانی (فارسی) قدرت خود را حفظ کرده است؛ اما نمی‌توان این را از نظر دور داشت که زبان فارسی از زمان شکل‌گیری و ورود شهر مدرن و عناصر مدرنیته و تلفیق با آن؛ لحن و شیوه‌ی بیان دگرگون‌شده‌ای دچار نشده است. ما شاهد این هستیم که زبان کوچ‌چه و بازار شهری و زبان دیالوگ شهری در شرایط جدید، شکل و صورت جدیدی به خود گرفته است که با زبان و گویش چهارپنج دهه قبل تفاوت پیدا دارد.

ج) موسیقی

سبک‌ها و ملودی‌هایی که در موسیقی‌های غربی می‌شناسیم در چندسال اخیر با عنوان موسیقی پاپ وارد شهرهای ایران شده است. در جامعه‌ی شهری ایران موسیقی پاپ ترکیبات جدیدی را شکل داده که یکی از انعکاس‌های کریوله‌شدن در فرهنگ شهری است.

د) مذهب

در برخی از شهرهای ایران، گروه‌های مذهبی مخفی‌ای در دهه‌های اخیر شکل گرفته‌اند که ترکیباتی از اجزای ادیان و مذاهب مختلف را در خود قرار داده و به‌عنوان یک باور مذهبی یا دینی تلفیقی و نو و جدید، به اعمال دینی و باورهای دینی می‌پردازند.

ه) فضای شهری

از کریوله‌های دیگر فرهنگ شهری می‌توان به فضا و کالبد شهرهای ایران اشاره کرد. ورود عناصر فضاهای شهری و خیابان‌بندی‌های وارداتی که از سبک تهران شروع

شده است و طراحی شهری و شهرسازی غربی و تلفیق آن با محله‌بندی‌های مبتنی بر طایفه‌ای و خویشاوندی یا عشایری - روستایی، چیز جدیدی را خلق کرده که نقشه‌ی شهری را تحت تأثیر قرار داده است. در این کریوله‌ی جدید که منشأ خشونت نیز بوده است، می‌توان ناموزونی شهری یا نامناسب بودن نقشه‌ی شهری ایران را مثال زد.

و) هویت

یکی از مؤلفه‌های دیگری که در شهرهای ایران می‌توان فرهنگ کریوله را مشاهده کرد، بحث هویت است. شهر مدرن با الگوی غربی از یک طرف منجر به ورود مهاجران گسترده از روستاها و مناطق عشایری شده است و مهاجران پس‌زمینه‌های الگوهای رفتاری را در یک فضای جدید وارد کرده‌اند. این فضای جدید که با تلفیق الگوهای رفتاری مهاجران به اشکال جدید هویت‌یابی‌ها نیز منجر شده است؛ موجب برخی گرایش‌های هویتی در شهرها شده است که در قالب‌های انجمن‌های قومی یا اتحادیه‌ها خود را نشان می‌دهند.

ز) سازمان‌ها و نهادها

همان‌طور که می‌دانیم سازمان‌ها و نهادها محصول شهر مدرن می‌باشند و قالب‌های دیوان‌سالارانه و منشور نهادها و سازمان‌ها، پدیده‌های شهرهای جدید غربی هستند. ورود سازمان‌ها و نهادهای جدید به شهرهای ایران از یک طرف و پس‌زمینه‌های اجتماعی و رفتاری فرهنگ یا قواعد نهادهای سنتی ایران از سوی دیگر، تلفیقی جدید را شکل داده که رفتارها یا قاعده‌های جدیدی را به وجود آورده است که با سازمان‌ها و نهادهایی که در شهرهای غربی مشاهده می‌شوند، کاملاً متفاوت است. گاه این تلفیق به خشونت‌های رفتاری در قالب رفتارهای ناصحیح کارکنان نیز منجر شده است.

عوامل کریوله‌شدن فرهنگی در جامعه‌ی شهری ایران

عوامل کریوله‌شدن فرهنگی در دو گونه‌ی خاصی که گفتیم متفاوت است. در جهان شهری توسعه‌یافته؛ عامل اصلی شهرنشینی در ترکیب دو سطح بوده است:

۱- سطح شهرنشینی معاصر

۲- سطح صنعتی‌شدن

در واقع شهرنشینی معاصر با تلفیق این دو با یک پوشش درونی و هم‌زمانی در

کشورهای توسعه یافته شکل گرفته است. پدیده‌ی کریوله‌شدن فرهنگ شهری در این کشورها، بیش تر تحت تأثیر مهاجرت کشورهای پیرامون به شهرهای مرکز است. مثلاً سیاه‌پوستان امریکایی با ورودشان به امریکا که از برده‌داری آغاز می‌شود ترکیبات خاصی از کریوله‌شدن‌های اجزای فرهنگی را ایجاد کرده‌اند. در این شهرها ما با شواهد زیادی از مهاجران روبه‌رو هستیم که تلفیق‌ها زیادی را در زمینه‌ی هویت، قومیت، زبان، موسیقی، هنر و غیره به‌وجود آورده‌اند.

اما سطح شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه بیش تر برون‌زا و بیگانه بوده و شهرهای خاصی را ایجاد کرده است (عظیمی، ۱۳۸۱: ۴۰). عوامل کریوله‌شدن فرهنگ شهر از طریق برخورد عناصر مدرنیته و شهرنشینی غربی در این کشورها زیاد است. دلیل عمده‌ی آن نیز به عدم انطباق سطح شهرنشینی معاصر و صنعتی شدن با سنت‌های محلی و مکانی این شهرها برمی‌گردد. البته تلفیق دو سطح، تنوعات زیادی از فرهنگ شهری را در این کشورها رقم زده است.

شهرهای ایران نیز از تاریخ فرایند مدرنیزاسیون در ایران از این ترکیبات گوناگون تأثیر پذیرفته و تلفیق فرهنگی را در این شهرها آغاز کرده است. این‌که چه عواملی در فرایند تلفیق فرهنگی شهرهای ایران اثرگذار بوده است؟ می‌توان عوامل متعددی را برشمرد:

الف) مهاجرت

از عمده‌ترین عواملی که به کریوله‌شدن فرهنگ شهری منجر شده است مهاجرت است. روانه‌شدن سیل گسترده‌ای از جمعیت روستایی و عشایری به شهرها و در پی آن افزایش جمعیت شهری در چنددهه‌ی اخیر، نقش عمده‌ای در گسترش شهرهای ایران داشته است. فروپاشی شیوه‌های تولید سنتی در جامعه‌ی ایرانی که نقطه‌ی اوج آن به اصلاحات ارضی در دهه‌ی چهل برمی‌گردد، به‌عنوان نقطه‌ی عطفی در روند شهرنشینی در ایران بود. این روند شهرنشینی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ نرخ جمعیت شهری را از ۳۴/۵ درصد به ۵۱ درصد رساند و رشد آن هنوز ادامه دارد (حسامیان، ۱۳۷۷: ۲۷).

حرکت از روستا و فضای زیستی دیگر هم‌چون اجتماعات کوچک به جامعه‌ی شهری با ابعاد بزرگ، تغییرات عمده و گسترده‌ای را در شیوه‌ی زندگی و الگوی کنشی و روابط اجتماعی و هم‌چنین در سنت‌های فرهنگی به‌وجود آورده است. مهاجرت تعداد وسیعی از جمعیت با سنت‌های خاص محلی از یک‌طرف و الگوی شهرنشینی مدرن از طرف دیگر و محل تلاقی آن در فضای شهر ایرانی گونه‌هایی از مناسبات

اجتماعی - فرهنگی ایجاد کرده است که نه با سنت محض خاستگاه مهاجران همانندی دارد و نه مانند رفتارهای الگوهای شهرنشینی مدرن بیرونی هستند و این همان فرایندی است که ما در این جا با عنوان کریوله شدن فرهنگ شهری بر آن تأکید کردیم. بنابراین، مهاجرت به عنوان عامل درونی جامعه‌ی ایرانی نقش عمده‌ای در فرایند مذکور داشته است.

ب) تعدد و تنوع قومی

شهرهای ایران مجموعه‌ی از اقوام و اقلیت‌های نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی است (الطایی، ۱۳۷۸) این تنوع تا قبل از مدرن شدن ایران در مرزهای اقلیمی و جغرافیایی خود محدود بود. البته در برخی از شهرها تنوع اقلیمی وجود داشته است؛ اما اختلاط یا هم‌جواری، امروزه در شهرهای ایران افزایش یافته است. در واقع با رشد سطح شهرنشینی مدرن در شهرهای ایران، تحت تأثیر مهاجرت‌های روستاییان و عشایر و گروه‌های ایلی به شهرها پدیده‌ای به وجود آمده است که در شهرها با عنوان قوم (یا طایفه) و گروه‌های زبانی یا قومی نامیده می‌شود.

بسیاری از شهرها ترکیب ساختاری‌شان از همین رویکرد تنوع برخوردار شده است. در بسیاری موارد هر گروه قومی مشاغل ویژه‌ای را برگزیده و محله‌ای را چه برای سکونت و چه به عنوان محل اشتغال، اشغال کرده‌اند. این تنوع و گاه جداسازی قومی و شغلی، مسایلی هم‌چون محله‌بندی‌ها و تأثیر آن بر بافت کالبد شهری، بحث هویت‌یابی، خاص‌گرایی شهری و بسیاری از مسایل دیگر را به دنبال داشته که هر یک می‌توانند کریوله‌هایی از تلفیق گروه‌های ساکن شده در شهر با الگوی شهرنشینی مدرن باشند.

ج) تلفیق شهر قدیم با شهر جدید

شهرهای ایرانی، قبل از این‌که وارد عرصه‌ی الگوی شهری مدرن شوند؛ دارای طرح و بافت فرهنگی - اجتماعی خاصی بودند. در این شهرها، روابط و کنش‌های اجتماعی و خصوصیت فرهنگی عمومی پویا به وجود می‌آورد؛ اما تغییرات در شهرها در چند دهه‌ی اخیر، شالوده‌های کهن ارتباطات درون‌شهری، معماری و به‌طور کلی طرح و بافت نظام اجتماعی - فرهنگی را وارد فاز متفاوتی کرده است. عناصر جدیدی که در شهرهای ایران وارد شده، بر شیوه‌ی زندگی شهری تأثیر گذاشته و شهرهای ایران را به

سمت سبک تلفیقی، سوق داده است. بنابراین، ما با تلفیق دو سبک متفاوت یعنی قدیم و جدید روبه‌رو هستیم که نه تابع فرهنگ شهری خالص و ناب گذشته است و نه عناصر مستقیمی از فرهنگ شهری سبک‌های مدرن را - به‌طور تمام‌عیار - در خود دارد. با ورود به عرصه‌ی مدرن و تحولات گسترده در شهرهای ایران و تأثیر مدرنیته بر فرهنگ شهری، اکثر شهرهای ایران در واقع آمیزه‌ای از نفوذ فرهنگ بیرون و سنت‌های محلی، به‌عبارت دیگر همان فرهنگ کریوله‌شده است.

نتیجه

امروزه فرایند جهانی‌شدن بر همه‌ی حوزه‌ها تأثیرگذار بوده است. عمده‌ترین بخش زندگی انسان امروزی شهرها هستند. شهرها محل اتفاقات و جریان‌ات زندگی بشری شده‌اند. فرایند جهانی‌شدن بیش از پیش در این فضا تأثیرگذار بوده است. با ظهور جهانی‌شدن، مکان‌مند بودن فرهنگ که در خاک ریشه داشت و فرهنگ نیز بر همین اصل تعریف می‌شد؛ کم‌رنگ شده است؛ به‌طوری‌که با عنوان بی‌مکانی فرهنگی از آن یاد می‌کنند (روناتو و روسالدو، ۲۰۰۲: ۱۱)؛ اما این بی‌مکان‌شدن فرهنگ به‌معنی فرایند یک‌گونه‌شدن فرهنگ نیست. اکنون ما با درهم‌آمیختگی گوناگونی از سیر روان فرهنگ در جهان روبه‌رو هستیم که به بازتولیدهای جدید منجر می‌شود (آرجون، ۱۳۸۱: ۶۴) محل این تلاقی‌ها امروزه در شهرها رخ می‌دهد و این شهرها هستند که بازتولیدهای متنوع از فرهنگ را در خود نمایان می‌سازد. بنابراین، ما فرایند کریوله‌شدن و فرایندهایی را که در هنر، معماری، موسیقی، قوم، زبان، هویت و بسیاری از الگوهای رفتاری و اجتماعی و فرهنگی و غیره اتفاق می‌افتد، در بافت شهر مشاهده می‌کنیم. شهرهای ایران نیز به‌دور از فرایند عظیم جهانی‌شدن نیست. سیر و جریان فرهنگ‌های بی‌مکان‌شده به شهرهای ایران هم سرایت کرده است؛ بدین ترتیب درهم‌آمیختگی‌ها هم در برخی از اجزا و عناصر فرهنگ شهری رخ می‌نمایند. بنابراین، به‌این دلیل است که ما نمی‌توانیم از فرهنگ ناب شهری سبک قدیم که بتوان آن‌را در محدوده‌ی همان شهر مشاهده کرد سخن بگوییم.

در این جا باید توجه داشت که مفهوم کریوله‌شدن فرهنگ‌های شهری ایرانی مترادف با ترکیب پیوندی یا التقاطی شدن فرهنگ‌ها نیست؛ بلکه دقیقاً به این معنا است که از ترکیب دو یا چند فرهنگ متفاوت، فرهنگ جدیدی پدید می‌آید که شهرهای ایران را وارد عرصه‌ی جدیدی کرده است. در مجموع باید توجه داشت که برای مدیریت

شهری، برنامه‌ریزی شهری در ایران، شناخت فرهنگ تلفیقی از نگاه تئوری کریوله‌شدن ضروری است؛ زیرا شهرهای ایران همواره در این حالت‌های رفت‌وآمدی عناصر درونی و بیرونی، با تفسیر، ترجمه، جهش، انطباق و بومی‌شدن روبه‌روست. بنابراین، مقوله‌ی تلفیق همواره در آن صورت می‌گیرد که شاید منشأ بسیاری از جریان‌ات و اتفاقات باشد.

منابع:

- ۱- آپادورای، آرجون (۱۳۸۰): «چشم‌اندازهای قومی جهانی: یادداشت‌ها و پرسش‌هایی درباره انسان‌شناسی فراملی»، ترجمه‌ی فریده ممتاز، *مجله انسان‌شناسی*، شماره‌ی اول، دوره‌ی اول، صص ۶۲-۸۱.
- ۲- بیتس، دانیل؛ پلاک، فرد (۱۳۷۵): *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر انتشارات علمی.
- ۳- تاملینسون، جان (۱۳۸۱): *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه‌ی محسن حکیمی، تهران: نشر دفترهای پژوهش‌های فرهنگی.
- ۴- حبیبی، محسن (۱۳۷۸): *از شار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۷۷): *شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آگاه.
- ۶- حسنی، سیدقاسم (۱۳۸۱): «انسان‌شناسی شهری»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره‌ی اول، شماره‌ی دوم، صص ۱۷۱-۱۷۸.
- ۷- خسروی، شهرام (۱۳۸۱): «انسان‌شناسی شهری»، *مجله انسان‌شناسی*، دوره‌ی اول، شماره‌ی اول، صص ۱۱۰-۱۱۵.
- ۸- الطایی، علی (۱۳۷۸): *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
- ۹- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱): *پویش شهرنشینی و معانی نظام شهری*، تهران: نشر نیکا.
- ۱۰- ممتاز، فریده (بی‌تا): *جامعه‌شناسی شهر*، تهران، نشر شرکت سهامی.
- ۱۱- ممفورد، لوئیز (۱۳۸۱): *مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ*، ترجمه‌ی احمد عظیمی، تهران: نشر رسا.
- ۱۲- ویرث، لوئیس (۱۳۸۴): *مفهوم شهر*، مقاله شهرگرایی، شیوه‌ای زندگی، ترجمه‌ی فرخ حسامیان، تهران: نشر مطالعات شهری و منطقه‌ای.
- 13- Basham, Richard (1980); *Urban Anthropology*, Sydney: Mayfield Publishing Company.
- 14- Howes, D(ed). (1996); *Cross-cultural Consumption: Global Mark, Local Realites*, London: Routledge.
- 15- Jan pieterse (2001); *theory, culture & society*, London: thousand oaks and new dehli.
- 16- ULF, Hannerz (1980); *Exploring the City: Inquiries Toward an Urban Anthropology*, cloumbia: University Press.
- 17- ULF, Hannerz (1996); *Transnational Connections: Culture, Peoplaces*, Routledge.
- 18- Xavier Janathan (2002); *The Anthropology of Globalization* London: Blackwell.

منابع اینترنتی

- 1- <http://en.wikipedia.org/wiki/creole-languge>, 2005.
- 2- <http://en.wikipdia.org/wiki/creole>.
- 3- <http://www.cajuculture.com/other/creolization.htm>.
- 4- <http://www.completetranslation.com/migration.htm>.
- 5- <http://www.upress.state.ms.us/aeroso/kingdom/creole.html>.